





چون تا در میان بجا می آید  
باید با او با یکدیگر در میان  
چون تا در میان بجا می آید  
باید با او با یکدیگر در میان

جاء بهم نقصان که و نفس کلمه شود اگر در حروف صلیب است و معنی متغیر میشود و نماز  
فاسد است بقول امام اعظم و محمد رضا الله و بر قیاس قول ابی یوسف فاسد است و اگر نماز  
از ثلثان است فاسد میشود معنی متغیر گردد و یا نه از جهت آنکه دو حرفی لغویست مگر آنکه  
ترخیم بشرط یافته شود و اما آنکه کلمه مقام کلمه دیگری بخواند اگر متقارب المعنی باشد  
او در قرآن موجود باشد فاسد نمیشود اتفاقا و اگر موجود نباشد چنانکه در مقام  
ایشیم فاسد است عند سواد عن ابی یوسف روایتان و اگر متقارب المعنی نباشد  
و مثل او هم در قرآن نباشد اتفاقا اگر ذکر نیست یعنی از باب چیز که در نماز  
می توان خواند نیست و اگر ذکر است فقه اختلاف اگر مثل او در قرآن است لیکن آن کلمه  
در اینجا موجب کسرت چنانکه عَافِلِينَ مَكَانَ اِنَّا كُنَّا عَلَيْنَ  
پس فاسد اتفاقا و از ابی یوسف خلاف نقل میکنند لیکن صحیح خلاف است  
در فتاوی قاضی حیان گفته اگر یک کلمه شروع کرد قبل از تمامیت آن بجمعه کرده  
صحیح خواند بیک کوع نمود اگر آن کلمه تمام میگردد فاسد میشود نماز فاسد نشود و الا لا هو  
اصح است و از اینجا صریح شد که اگر کلمه موجب ف و خوانده اعاده کند قطعاً  
باطل گردد و تقدیم و تاخیر کلمات داخل همین قسم است اگر تغییر معنی نشود و نماز فاسد  
نیست و الا فاسد است و اما اگر کلمه زیاده کند نحو حسانا و برافاشد نمی شود

چون تا در میان بجا می آید  
باید با او با یکدیگر در میان  
چون تا در میان بجا می آید  
باید با او با یکدیگر در میان

۵۲

بطلان اگر در  
باید از الفاظ فاسد است  
باید از الفاظ فاسد است  
باید از الفاظ فاسد است

چون تا در میان بجا می آید  
باید با او با یکدیگر در میان  
چون تا در میان بجا می آید  
باید با او با یکدیگر در میان





در این باب از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است و در روایاتی که در این باب است از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است و در روایاتی که در این باب است از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است

در این باب از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است و در روایاتی که در این باب است از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است و در روایاتی که در این باب است از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است

سپوا السجده سهوا لزم آید و اگر عمد باشد نماز نشد اگر استیسه شود و اطاوله  
 لزم بود و از محیط نیز مثل این نقل نموده میگویی که القول بوجوب الكل هو مختار لمختار  
 ابن بمام و تمیزه ابن امیر الحاج حتی قال انه لصلوب الله الموفق للما حتر از عن الخطا  
 الی الصلوب **قاف اول** قعه اولی واجب مقدار شهید و این ظاهر است  
 که چو شیخ برورفته اند و نیست صحیح از مذکور در فی البحر الرائق و غیره و محتوی و کرمی  
 سنت میگویند لیکن در آن در بدایع گفته که یعنی ارست و جوب آن ثابت یا  
 آنکه سنت موكده و معنی واجب اطلاق کی بر دیگری مجازا نمیتوان کرد و مسأله  
 مراد از قعه اولی غیر اخیر است که این فرض است از مکه مسأله ق کتت قعه  
 اول ثانی واجب و ثالث فرض ذکره فی البحر الرائق فی **سوم** شهید است که آن  
 واجب در دو قعه در ظاهر الروایه و هو الاصح کما فی البحر و الذخیره و الهدیه  
 فی سجود و این مختار محققین متقدمین و متاخرین است و جماعه در اولی سنت گویند و  
 در ثانی واجب مگر آنکه قعه اولی واجب و ثانی فرض پس باید که در ذکر این تفریق باشد  
 و این ملازمه ممنوعه کما فی البحر الرائق و غیره **لاهم** یعنی لفظ السلام علیکم کتبت  
 چنانکه از اکثر کتب فقه و احادیث صحیحه مستفاد میشود و هنا بحریق استنباط  
 از اقتصار مضمی الثقلین بر لفظ السلام میکند که لفظ علیکم واجب و با جمله

در این باب از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است و در روایاتی که در این باب است از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است و در روایاتی که در این باب است از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است

# قاف اول

# سوم

# لاهم

در این باب از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است و در روایاتی که در این باب است از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است و در روایاتی که در این باب است از قول ائمه است که هر چه در کتاب است واجب است







ع  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

تَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ أَنَّهُ لَا يَدْرِي مَنْ وَالَيْتَ وَلَا يَعْرِفُ  
مَنْ عَادَيْتَ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ نَسْتَغْفِرُكَ وَ  
نُتُوبُ إِلَيْكَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ  
وَغَيْرُهُمْ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ نَقَطَ مَسْئَلَهُ

در رویداد آخر قنوت مختلف فیه است صاحب خلاصه وغیره منع کرده است

و مختار فقیه ابولیس استجاب است و صاحب بحر الرائق ابن رابو الحو کفیه است لیکن اللهم

صل علی محمد وعلی آل محمد ختیار نموده است مسئله خواندن این ادعیه خفیه مختار صاحب

بدایه و محیط است و علیه مشایخ ماور النهر و مختار صاحب ذخیره جبرست در حق امام تمام مردم

تعلیم یابند و بعضی تفصیل داده اند اگر قوم عالم نباشد جبر افضل است تا تعلیم یابند

و اگر نه اخفا افضل است حاصل مسئله است که در بعضی اوقات جبر خواندن بلاشب

افضل است لیکن سبب این از منتهی اصل نقل میکنند که جبر و می باید از جبر قرائت

کم باشد یعنی ناقص در قرآن و دعا ظاهر شود و الله اعلم و لفظ طمق تکبیر امام

اسیجالی تحقیق نموده است و جوهر نص بر فتح کرده است و هو الصواب و عبارت و دعا

قنوت آنچه در حسن حسن امام حری از مصنف ابی بکر بن شیبه عمل الیوم

واللیله و ابن سنی نقل کرده است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ

یا رب العالمین یا قاضی الحاجات یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الشرف و العزت یا ذا العرش المجید یا ذا

صاحب خلاصه  
تقدیر بیان  
نقل و خطا  
سبب از  
اعاد است

اِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنَتَّقِيكَ الْخَيْرُ وَلَا نَكْفُرُكَ  
 نَحْنُ لِمَنْ يَتَّقِيكَ مِنْ عِبَادِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ  
 وَاِلَيْكَ نَصَلِّي نَسْجِدُ وَاِلَيْكَ نَسْعِي وَنَحْفِدُ وَنَخْشِي عَذَابَكَ  
 لَعْنَةُ وَنَزَّجُ رَحْمَتِكَ اِنَّ عَذَابَكَ لَجِدُّ بِالْكَافِرِ مَلِكٍ بَرِي  
 تقدیرت و او میشود و در بعضی روایات بر نسیج نیرست پس همیشه و فقط  
 نَشْكُرُكَ در روایات حدیث نیست چنانکه مطرزی تصریح کرده است و گفته که  
 در کتب فقه و اوست و الله اعلم و در صحیح نسائی و ابوداؤد و غیره ما و تعست که بعد از صلوات  
 و ترغیب صلی الله علیه و آله و سلم سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ سُبْحَانَ  
 و مرتبه ثالثه باواز بلند میفقدند و ارقطبی رب الملائکه و الروح و جزایه  
 کرده و اکثر محدثین بعد از اللهم انی اعوذ بک برضاک من سخطک  
 و بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک لا اُحْصِي  
 ثناء علیک انت کما اثبتت علی نفسک ینقل از ابن جریر و در صلوات  
 علیه و آله و سلم کرده اند اگر توفیق یابد عمل نماید و الله الوفی و للعین فی حرام  
 تمیزت عیدین حاجت و آن ششست ستم سه و در هر کت و طریقیست که بعد از تکبیر  
 اقلی که فرست چنانکه گذشت شاد است ستم خواهد بود تکبیر گوید و  
 در هر دو کت است

این روایت در بعضی کتب معتبره است  
 در بعضی روایات آمده که بعد از صلوات  
 سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ  
 و مرتبه ثالثه باواز بلند میفقدند  
 و ارقطبی رب الملائکه و الروح و جزایه  
 کرده و اکثر محدثین بعد از اللهم انی اعوذ بک برضاک من سخطک  
 و بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک لا اُحْصِي  
 ثناء علیک انت کما اثبتت علی نفسک ینقل از ابن جریر و در صلوات  
 علیه و آله و سلم کرده اند اگر توفیق یابد عمل نماید و الله الوفی و للعین فی حرام  
 تمیزت عیدین حاجت و آن ششست ستم سه و در هر کت و طریقیست که بعد از تکبیر  
 اقلی که فرست چنانکه گذشت شاد است ستم خواهد بود تکبیر گوید و  
 در هر دو کت است

# تکبیر

تکبیر گوید و ارسال نماید باز تکبیر گوید و ارسال نماید توقف مقدار تسبیح تحت زوال  
 اشتباه در تکبیرین نیست قال فی البحر الرائق و یسکت بین کل  
 تکبیرین قدر ثلث تسبیحات الزوال الا اشتباه و البسوط  
 و یختلف بکثرة الازدحام و قلته لانتی یعنی اگر از دحام بسیار  
 باشد از نیت زیاد و توقف کند و اگر مردم کم باشند کمتر کند بعد تکبیر آخر گفته دست  
 بند و قرائت فاتحه و ضم سوره کند و مستحب است که سجده تمام باقی باشد  
 باز در رکعت دوم اول فاتحه خوانده سوره ضم کند و مستحب است که هَلْ اَنْتَ  
 حَدِیْثُ الْغَاشِیَةِ یا اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ باشد چون از قرات سوره  
 فارغ شود سه مرتبه باشد اگر گوید و ارسال نماید و در هر یک توقف مقدار مذکور  
 فضلت بعد از تکبیر رکوع گوید و این تکبیر رکوع در همه نمازهاست مگر در رکعت  
 ثانی در هر دو عید و استسقاء کما ذکره الرلیعی و غیره تا آنکه سهوا ترک نماید سجده  
 سهوا لازم آید و اگر عمدا باشد مکروه و تخریمی کرد و از تکبیرات واجب تکبیر نوشت  
 کما ذکره فی البحر الرائق و غیره **جسم** هر دو صلوة جهیه واجب بر امام فقط  
 و فضلت منفر و یعنی در نماز صبح و در رکعت اول مغرب و  
 عشا و نماز جمعه و عیدین و تراویح و در ماه رمضان بر امام هر قرات واجب  
 اگر جدا بودیم باشد

تکبیر گوید و ارسال نماید باز تکبیر گوید و ارسال نماید توقف مقدار تسبیح تحت زوال  
 اشتباه در تکبیرین نیست قال فی البحر الرائق و یسکت بین کل تکبیرین قدر ثلث تسبیحات الزوال  
 الا اشتباه و البسوط و یختلف بکثرة الازدحام و قلته لانتی یعنی اگر از دحام بسیار  
 باشد از نیت زیاد و توقف کند و اگر مردم کم باشند کمتر کند بعد تکبیر آخر گفته دست  
 بند و قرائت فاتحه و ضم سوره کند و مستحب است که سجده تمام باقی باشد باز در رکعت دوم  
 اول فاتحه خوانده سوره ضم کند و مستحب است که هَلْ اَنْتَ حَدِیْثُ الْغَاشِیَةِ یا اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ  
 باشد چون از قرات سوره فارغ شود سه مرتبه باشد اگر گوید و ارسال نماید و در هر یک توقف مقدار  
 مذکور فضلت بعد از تکبیر رکوع گوید و این تکبیر رکوع در همه نمازهاست مگر در رکعت ثانی در هر دو  
 عید و استسقاء کما ذکره الرلیعی و غیره تا آنکه سهوا ترک نماید سجده سهوا لازم آید و اگر  
 عمدا باشد مکروه و تخریمی کرد و از تکبیرات واجب تکبیر نوشت کما ذکره فی البحر الرائق و غیره  
**جسم** هر دو صلوة جهیه واجب بر امام فقط و فضلت منفر و یعنی در نماز صبح و در رکعت اول مغرب  
 و عشا و نماز جمعه و عیدین و تراویح و در ماه رمضان بر امام هر قرات واجب اگر جدا بودیم  
 باشد

تکبیر گوید و ارسال نماید باز تکبیر گوید و ارسال نماید توقف مقدار تسبیح تحت زوال  
 اشتباه در تکبیرین نیست قال فی البحر الرائق و یسکت بین کل تکبیرین قدر ثلث تسبیحات الزوال  
 الا اشتباه و البسوط و یختلف بکثرة الازدحام و قلته لانتی یعنی اگر از دحام بسیار  
 باشد از نیت زیاد و توقف کند و اگر مردم کم باشند کمتر کند بعد تکبیر آخر گفته دست  
 بند و قرائت فاتحه و ضم سوره کند و مستحب است که سجده تمام باقی باشد باز در رکعت دوم  
 اول فاتحه خوانده سوره ضم کند و مستحب است که هَلْ اَنْتَ حَدِیْثُ الْغَاشِیَةِ یا اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ  
 باشد چون از قرات سوره فارغ شود سه مرتبه باشد اگر گوید و ارسال نماید و در هر یک توقف مقدار  
 مذکور فضلت بعد از تکبیر رکوع گوید و این تکبیر رکوع در همه نمازهاست مگر در رکعت ثانی در هر دو  
 عید و استسقاء کما ذکره الرلیعی و غیره تا آنکه سهوا ترک نماید سجده سهوا لازم آید و اگر  
 عمدا باشد مکروه و تخریمی کرد و از تکبیرات واجب تکبیر نوشت کما ذکره فی البحر الرائق و غیره  
**جسم** هر دو صلوة جهیه واجب بر امام فقط و فضلت منفر و یعنی در نماز صبح و در رکعت اول مغرب  
 و عشا و نماز جمعه و عیدین و تراویح و در ماه رمضان بر امام هر قرات واجب اگر جدا بودیم  
 باشد



بجز آنچه در این کتاب مذکور است در هیچ کتابی دیگر یافت نمی شود

باشند و در مخالفت آنست که خود نشینند و بعضی بر آنند که مخالفت تصحیح حرفت  
 و چه تمام نفس غرور است و الصمیم لاول علی مانی الهدایه و غیرها  
 و کذا کل ما یعلق بالنطق کالتسمیه علی الذبیحه و وجوب  
 السجده بالتلاوة والعناق والطلاق والاستثناء حتی لو  
 طلق ولم یسمع نفسا لایقیم وان هم الحروف ذکوره فی البحر الرائق  
 و در خلاصه میگوید اگر امام در صلوٰه مخالفت بجهت بی خوابی خواند که یک س یا دو کس نشینند و چه نباشند  
 بلکه چه رویت که همه مقتدیان نشینند و در بحر الرائق میگوید عادت آنست چنانچه نشینند  
 بر متصل است همیشه و آتی لیکن این در صورت کمال متصور است و الا ممکن است که مجاور  
 نشیند چنانکه معاص و ضعیف است گرانکه حروف مثبت تکلم کند و آنرا علم می رسد  
 ترتیب فعلی که در هر سجدت مکرر شود و واجب است پس اگر سجده ثانی از کسی ترک او در هر  
 دیگری سجده کرد و نماز فاسد شد و لیکن سجده سهولاً لازم است یا ترتیب قیام بر رکوع و ترتیب رکوع  
 بر سجود و در هر رکعت واحد حضرت معنی این کلام چنانکه در بحر الرائق تحقیق کرده آنست که حضرت  
 آن رکوع مثلاً اگر رکوع کرد قبل از قیام یا سجود و نمود قبل از رکوع حضرت که اعاده قیام نمود  
 کند و اعاده رکوع نموده سجود کند آن نماز صحیح با و سجده سهولاً لازم است و صد مرتبه یا یکبار  
 اقامه و تعداد آن نیز ترتیب واجب گفته است صاحب بحر الرائق قیام را شش مرتبه مستطوره آورده است

و در بعضی نسخ  
 و در بعضی نسخ  
 و در بعضی نسخ

خطای این نسخه  
 چون سجده یا در نماز که گمان است  
 نماز است  
 در این نسخه  
 در این نسخه  
 در این نسخه

ایضا در این کتاب  
 و در بعضی نسخ  
 و در بعضی نسخ  
 و در بعضی نسخ

و این مختصر گنجایش تفصیل ندارد و مسئله اگر زیادتی در نماز بسبب ترتیب که از رکعت  
 شده عاده بطریق مسطور نماید و اگر مقدار رکعت شده نماز فاسد گردد و از جهت آنکه یک  
 رکعت تمام فاین بر طرف ساختن نیست که ذاتی بحر الرائق مسئله مروی شروع کردن نماز  
 را قیام نمود و قرآن خواندن و رکوع کرد و پس سجده نیامد و باز قیام نمود و قرآن خواند  
 و رکوع نکرد و سجده آورد یک رکعت تمام شد زیرا که زیادتی قیام دوم و قنوت دوم  
 نشد این هر دو سجده ملحق بر رکوع اول گشت همچنین اگر بعد افتتاح رکوع کرد و قیام و قنوت  
 ترک داد باز قیام و قنوت رکوع نموده هر دو سجده او اگر دیگر گشت چه اگر قیام و قنوت  
 الی آخر رکعت ملحق به یک افتتاح و همچنین اگر بعد از افتتاح دو سجده کرد بعد از آن قیام و قنوت  
 کرد و رکوع نمود اما سجدی نکرد و باز قیام شد و قنوت نموده هر دو سجده آورد و رکوع نکرد  
 رکعت کرد اما حقیقت یک رکعت شد بکبر اول معتبر شد و قیام و قنوت ثانیه معتبر  
 شد و سجده از ثلثه محسوب و همچنین اگر بعد از افتتاح در اولی بعد از قیام و قنوت  
 رکوع کرد و سجده نمود و در ثانیه نیز چنین کرد و در ثلثه سجده با آورد و رکوع  
 نمود و یک رکعت شد و در کلماتی فتح القدر عن الحاكم مسئله در رکنی که یاد آید که قبل  
 از رکنی ترک داده اند مگرکن بالفعل و نماید و از رکنی که متعال نموده عاده کردن او مستحبست  
 بعمل نیاید و واجب بقول قاضیان و غیره و الیه میل صاحب بحر الرائق و اگر بعد از نماز رکنی یاد آید  
 یعنی در حقیقت ۱۲

باید

یا و آمد حاجت عاده نیست مثلاً در سجده بود که رکوع رکعت سابقه بر رکعتی که در سجده  
 او نیست یا در بر خاسته قضا کند و رکوع و هر دو سجده که بسبب ترک رکوع فاش شده بود و بعد  
 بقول صاحب باید عاده این سجده تحت و هر دو رکعت در شود و بقول قاضی خاں این  
 رکوع سابق و دو سجده کرده این سجده که از او بر خاسته بود و وجوباً عاده نماید که از استصحاب  
 البحر الرائق چون واجبات نماز معلوم احکام سجده سهوی ترک آن سجده سهوی است  
 بر طریق اجماع این نمودن ضرورت بدانکه هر یک از اینها مذکور در حدیث متعلق اول قرات  
 فاتحه پس اگر ترک کند در یکی از دو رکعت اولین کلمات اکثر قضا در آخرین نکرند سجده  
 لازم آید و اگر اقل فاتحه ترک کند سجده سهویست کفافی لجنبه و لازم کفافی است و اگر  
 ترک کند در آخرین فرض سجده سهویست بخلاف الوتر و الفصل که از ترک هر یک  
 که با سهو لازم آید و هم ضم سوره بزرگ داد و یا یک آیت خواند سهو لازم است اگر  
 و خواند لازم می آید کفافی الطیبه و نمی آید چنانچه در بحر رائق از ریلعی استخوان  
 کرده است مسئله سوره بعد از فاتحه واجب است پس اگر سهو قبل از و شروع کرد  
 سجده سهو لازم آید اگر چه یک حرف باشد ذکره فی المحتجبی یا آنکه مقدار تسبیح قرات نموده  
 ذکره فی الفتح القدر مسئله اگر فاتحه مکرر خواند در میان اگر سوره خوانده است  
 سجده سهو لازم نیاید و الا لازم است ذکره قاضی خاں و صحیح الزبیری

باید عاده نیست مثلاً در سجده بود که رکوع رکعت سابقه بر رکعتی که در سجده  
 او نیست یا در بر خاسته قضا کند و رکوع و هر دو سجده که بسبب ترک رکوع فاش شده بود و بعد  
 بقول صاحب باید عاده این سجده تحت و هر دو رکعت در شود و بقول قاضی خاں این  
 رکوع سابق و دو سجده کرده این سجده که از او بر خاسته بود و وجوباً عاده نماید که از استصحاب  
 البحر الرائق چون واجبات نماز معلوم احکام سجده سهوی ترک آن سجده سهوی است  
 بر طریق اجماع این نمودن ضرورت بدانکه هر یک از اینها مذکور در حدیث متعلق اول قرات  
 فاتحه پس اگر ترک کند در یکی از دو رکعت اولین کلمات اکثر قضا در آخرین نکرند سجده  
 لازم آید و اگر اقل فاتحه ترک کند سجده سهویست کفافی لجنبه و لازم کفافی است و اگر  
 ترک کند در آخرین فرض سجده سهویست بخلاف الوتر و الفصل که از ترک هر یک  
 که با سهو لازم آید و هم ضم سوره بزرگ داد و یا یک آیت خواند سهو لازم است اگر  
 و خواند لازم می آید کفافی الطیبه و نمی آید چنانچه در بحر رائق از ریلعی استخوان  
 کرده است مسئله سوره بعد از فاتحه واجب است پس اگر سهو قبل از و شروع کرد  
 سجده سهو لازم آید اگر چه یک حرف باشد ذکره فی المحتجبی یا آنکه مقدار تسبیح قرات نموده  
 ذکره فی الفتح القدر مسئله اگر فاتحه مکرر خواند در میان اگر سوره خوانده است  
 سجده سهو لازم نیاید و الا لازم است ذکره قاضی خاں و صحیح الزبیری

باید عاده نیست مثلاً در سجده بود که رکوع رکعت سابقه بر رکعتی که در سجده  
 او نیست یا در بر خاسته قضا کند و رکوع و هر دو سجده که بسبب ترک رکوع فاش شده بود و بعد  
 بقول صاحب باید عاده این سجده تحت و هر دو رکعت در شود و بقول قاضی خاں این  
 رکوع سابق و دو سجده کرده این سجده که از او بر خاسته بود و وجوباً عاده نماید که از استصحاب  
 البحر الرائق چون واجبات نماز معلوم احکام سجده سهوی ترک آن سجده سهوی است  
 بر طریق اجماع این نمودن ضرورت بدانکه هر یک از اینها مذکور در حدیث متعلق اول قرات  
 فاتحه پس اگر ترک کند در یکی از دو رکعت اولین کلمات اکثر قضا در آخرین نکرند سجده  
 لازم آید و اگر اقل فاتحه ترک کند سجده سهویست کفافی لجنبه و لازم کفافی است و اگر  
 ترک کند در آخرین فرض سجده سهویست بخلاف الوتر و الفصل که از ترک هر یک  
 که با سهو لازم آید و هم ضم سوره بزرگ داد و یا یک آیت خواند سهو لازم است اگر  
 و خواند لازم می آید کفافی الطیبه و نمی آید چنانچه در بحر رائق از ریلعی استخوان  
 کرده است مسئله سوره بعد از فاتحه واجب است پس اگر سهو قبل از و شروع کرد  
 سجده سهو لازم آید اگر چه یک حرف باشد ذکره فی المحتجبی یا آنکه مقدار تسبیح قرات نموده  
 ذکره فی الفتح القدر مسئله اگر فاتحه مکرر خواند در میان اگر سوره خوانده است  
 سجده سهو لازم نیاید و الا لازم است ذکره قاضی خاں و صحیح الزبیری

مصلح الصلوة

مسئله اگر سوره در اولین فراموش کرد و در آخرین بخواند و سجده بکند ذکره  
فی الخلاصه غیر با مسئله اگر ضم سوره سهوا در آخرین کند سجده بکند و لازم نیست  
و اگر عمد کند هم شروع است ذکرها فی البحر الرائق سهوا تقصیر قمارت در اولین پس اگر  
مطلقا قمارت در اولین نکرد و در آخرین کرد سجده بکند و اگر دیگر گفت از اول  
کرد و دیگر گفت از آخرین نمود هم سجده سهوا لازم آید و خلافت درین که خواندن  
در آخرین را قضا گویند یا او اول و ظاهر الاول چهارم تعدیل ارکان است بر و اینست  
که تعدیل ارکان واجب سجده بکند و اگر ترک کند قال فی البحر الرائق المذهب العجوب  
ولزوم السجود تبرکه ساهبا صحیح فی البدایع و این بر قول امامین و بر قول ابو یوسف نماز  
فاسد زیرا که طمانیت در رکوع وجود ندارد و حضرت و از بالا مذکور محققین معلوم شد  
که طمانیت و قیوم و جلوس نیز واجب است و تبرک آن نیز سجده سهوا لازم است پس تبرک  
یکی ازین اربع سهوا نیز محققین سجده سهوا لازم میشود و عمد موجب اثم است که  
جبر نمیشود مگر با عاده نماز قال فی البحر الرائق الواجب اذا ترک عمدا  
لا یجبر الا باعادة الصلوة وان لم یعد صار الصلوة تبرکها  
تحریم انتهی و برین تقدیر در نماز گناه مکروه تحریمی از تارک اربعه مکروه بسیار  
میشود و الله الموفق والعین بحسب تقصیر اولی قاعده که غیر اخیر است از ترک آن سجده

در اولت در صورتی که تکرار شود درین  
سجده سهوا لازم نیاید و در صورتی که در وقت  
سجده سهوا خواندن سوره یا سجده یا سوره یا سجده  
در اول یا بعد از آن فراموشی کرد  
در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده  
در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده

در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده  
در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده  
در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده  
در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده

مسئله اگر سوره در اولین فراموش کرد و در آخرین بخواند و سجده بکند ذکره  
فی الخلاصه غیر با مسئله اگر ضم سوره سهوا در آخرین کند سجده بکند و لازم نیست  
و اگر عمد کند هم شروع است ذکرها فی البحر الرائق سهوا تقصیر قمارت در اولین پس اگر  
مطلقا قمارت در اولین نکرد و در آخرین کرد سجده بکند و اگر دیگر گفت از اول  
کرد و دیگر گفت از آخرین نمود هم سجده سهوا لازم آید و خلافت درین که خواندن  
در آخرین را قضا گویند یا او اول و ظاهر الاول چهارم تعدیل ارکان است بر و اینست  
که تعدیل ارکان واجب سجده بکند و اگر ترک کند قال فی البحر الرائق المذهب العجوب  
ولزوم السجود تبرکه ساهبا صحیح فی البدایع و این بر قول امامین و بر قول ابو یوسف نماز  
فاسد زیرا که طمانیت در رکوع وجود ندارد و حضرت و از بالا مذکور محققین معلوم شد  
که طمانیت و قیوم و جلوس نیز واجب است و تبرک آن نیز سجده سهوا لازم است پس تبرک  
یکی ازین اربع سهوا نیز محققین سجده سهوا لازم میشود و عمد موجب اثم است که  
جبر نمیشود مگر با عاده نماز قال فی البحر الرائق الواجب اذا ترک عمدا  
لا یجبر الا باعادة الصلوة وان لم یعد صار الصلوة تبرکها  
تحریم انتهی و برین تقدیر در نماز گناه مکروه تحریمی از تارک اربعه مکروه بسیار  
میشود و الله الموفق والعین بحسب تقصیر اولی قاعده که غیر اخیر است از ترک آن سجده

در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده  
در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده  
در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده  
در وقت سجده سهوا یا سوره یا سجده یا سوره یا سجده



تسجده سهولت در فرض و نفل اما اخیره فرضت که نماز ترک آن فاسد  
 شود سواء كان في الفرض او النفل **تشنه** تشدیدت اگر چه یک کلمه از او  
 مشرک شود سهولت آمد قال فی البحر الرائق يجب السجود بترک ولو قللا  
<sup>در فرض و نفل ۱۱</sup> <sup>در هر دو قعه ۱۲</sup>  
 مسئله اگر بعد از سلام یا و آمد که بعضی تشدید خوانده بود نماز او فاسد نزد ابو یوسف  
 خلافاً لحمد فانه یصح عنده فیقر التشهد ویسلم بعده علیه القوی ذکره فی التقدير  
**مسئله** سلامت پس اگر گشت در قعه و سلام فراموش کرد یا آنکه قصد  
 خروج از نماز نمود باز یا در شام سجده سهولت آمد یا بر تاخیر واجب یا تاخیر خروج که  
 فرضت نزد بعضی کذا فی التجدید صانحین حرایق گوید که اینجا لزوم سجده سهولت تاخیر واجب  
 ترک واجب ایضا گفته که تاخیر واجب مطلقاً موجب سهولت است چنانکه کسی بعد از فاتحه **مسئله**  
 تشدید خواند یا فاتحه مکرر بخواند باید دانست که از اینجا بطلان حدیثی که سجده سهولت  
 نیست گریه ترک واجب بر میسر میشود الا ان یقال كان الواجب عدم التأخیر و هم  
 وقد ترکوا الله اعلم **مسئله** اگر اول سلام طرف چپ داد سهولت لازم نیست زیرا که  
 ترک سنت کرد **مسئله** اگر یک سلام داد دیگر فراموش کرد یک روایت تاخیر واجب  
 سلام دیگر گوید و بیک روایت چنانست بقبله دادند همیشه **مسئله** قنوت اگر  
 ترک داد و روایت کرد و بیک روایت باز کرد و سجده سهولت صحیح است که باز برگردد

تسجده سهولت در فرض و نفل اما اخیره فرضت که نماز ترک آن فاسد شود سواء كان في الفرض او النفل تشنه تشدیدت اگر چه یک کلمه از او مشرک شود سهولت آمد قال فی البحر الرائق يجب السجود بترک ولو قللا در فرض و نفل ۱۱ در هر دو قعه ۱۲ مسئله اگر بعد از سلام یا و آمد که بعضی تشدید خوانده بود نماز او فاسد نزد ابو یوسف خلافاً لحمد فانه یصح عنده فیقر التشهد ویسلم بعده علیه القوی ذکره فی التقدير **مسئله** سلامت پس اگر گشت در قعه و سلام فراموش کرد یا آنکه قصد خروج از نماز نمود باز یا در شام سجده سهولت آمد یا بر تاخیر واجب یا تاخیر خروج که فرضت نزد بعضی کذا فی التجدید صانحین حرایق گوید که اینجا لزوم سجده سهولت تاخیر واجب ترک واجب ایضا گفته که تاخیر واجب مطلقاً موجب سهولت است چنانکه کسی بعد از فاتحه **مسئله** تشدید خواند یا فاتحه مکرر بخواند باید دانست که از اینجا بطلان حدیثی که سجده سهولت نیست گریه ترک واجب بر میسر میشود الا ان یقال كان الواجب عدم التأخیر و هم وقد ترکوا الله اعلم **مسئله** اگر اول سلام طرف چپ داد سهولت لازم نیست زیرا که ترک سنت کرد **مسئله** اگر یک سلام داد دیگر فراموش کرد یک روایت تاخیر واجب سلام دیگر گوید و بیک روایت چنانست بقبله دادند همیشه **مسئله** قنوت اگر ترک داد و روایت کرد و بیک روایت باز کرد و سجده سهولت صحیح است که باز برگردد

۴۷

تسجده سهولت در فرض و نفل اما اخیره فرضت که نماز ترک آن فاسد شود سواء كان في الفرض او النفل تشنه تشدیدت اگر چه یک کلمه از او مشرک شود سهولت آمد قال فی البحر الرائق يجب السجود بترک ولو قللا در فرض و نفل ۱۱ در هر دو قعه ۱۲ مسئله اگر بعد از سلام یا و آمد که بعضی تشدید خوانده بود نماز او فاسد نزد ابو یوسف خلافاً لحمد فانه یصح عنده فیقر التشهد ویسلم بعده علیه القوی ذکره فی التقدير **مسئله** سلامت پس اگر گشت در قعه و سلام فراموش کرد یا آنکه قصد خروج از نماز نمود باز یا در شام سجده سهولت آمد یا بر تاخیر واجب یا تاخیر خروج که فرضت نزد بعضی کذا فی التجدید صانحین حرایق گوید که اینجا لزوم سجده سهولت تاخیر واجب ترک واجب ایضا گفته که تاخیر واجب مطلقاً موجب سهولت است چنانکه کسی بعد از فاتحه **مسئله** تشدید خواند یا فاتحه مکرر بخواند باید دانست که از اینجا بطلان حدیثی که سجده سهولت نیست گریه ترک واجب بر میسر میشود الا ان یقال كان الواجب عدم التأخیر و هم وقد ترکوا الله اعلم **مسئله** اگر اول سلام طرف چپ داد سهولت لازم نیست زیرا که ترک سنت کرد **مسئله** اگر یک سلام داد دیگر فراموش کرد یک روایت تاخیر واجب سلام دیگر گوید و بیک روایت چنانست بقبله دادند همیشه **مسئله** قنوت اگر ترک داد و روایت کرد و بیک روایت باز کرد و سجده سهولت صحیح است که باز برگردد



پای صحیح فی الامم  
کتاب فی الصلاة وادائها  
از شیخ الاسلام  
از صاحب نقل و تصحیح  
پیشتر در این کتاب

از قلیل یک کعبه باشد زیرا که آیت قیسره را کثیر گفته اند و آن دو رکعت است چنانکه معلوم  
شده مسئله اگر سهوا و عیایا تشدید نمودند نیست لیکن در بعضی رائق بعضی تشدید محل  
تا مل گفته است یعنی باید که سجده سهوا لازم آید که دوام خضیه و ثابت یازدهم  
ست در سیر همین اختلاف در و نیز مستصح است نزد صاحب هدایه که مقدار ما بجز  
به بصلوة اگر چه بخواند سهوا لازم آید و مختار علمای سابق است که سهوا لازم است  
قلیل باشد یا کثیر و او از وهم رعایت ترتیب است پس اگر سجده فراموش  
کند وقت که یا و آید ادا کند و سهوا لازم آید فقط و اعاده چیزی لازم نیست  
مگر وقتیکه از رکعت انتقال کند و در آن هنگام لازم است بخلاف سابق مسئله اگر تا خیر  
تلاوت در نماز از سه آیت کرد و درین در روایت است ذکره فی المجتبی  
و جزم فی التجنیس بعد الوجوب لیکن صاحبنا خیر است که قضایا در  
آن که در همین رکعت اعاده نماید اگر در رکعت دیگر اعاده کند سجده دیگر لازم  
شود و گمانی سجده التلاوة این دو از وجه و در اکثر کتب مذکور است که  
ترک آن در سهوا و سهوت صاحب بقرائت چند محل دیگر نقل میکنند که سجده  
سهوا زمی آید بعضی که ضرورت مذکور نموده میشود مسئله اگر در رکوع کرد یا  
سجده نمود یا محل قیام مع او و در بعضی آن که در مقدار تسبیح توقف شد سهوا لازم آید

از قلیل یک کعبه باشد زیرا که آیت قیسره را کثیر گفته اند و آن دو رکعت است چنانکه معلوم  
شده مسئله اگر سهوا و عیایا تشدید نمودند نیست لیکن در بعضی رائق بعضی تشدید محل  
تا مل گفته است یعنی باید که سجده سهوا لازم آید که دوام خضیه و ثابت یازدهم  
ست در سیر همین اختلاف در و نیز مستصح است نزد صاحب هدایه که مقدار ما بجز  
به بصلوة اگر چه بخواند سهوا لازم آید و مختار علمای سابق است که سهوا لازم است  
قلیل باشد یا کثیر و او از وهم رعایت ترتیب است پس اگر سجده فراموش  
کند وقت که یا و آید ادا کند و سهوا لازم آید فقط و اعاده چیزی لازم نیست  
مگر وقتیکه از رکعت انتقال کند و در آن هنگام لازم است بخلاف سابق مسئله اگر تا خیر  
تلاوت در نماز از سه آیت کرد و درین در روایت است ذکره فی المجتبی  
و جزم فی التجنیس بعد الوجوب لیکن صاحبنا خیر است که قضایا در  
آن که در همین رکعت اعاده نماید اگر در رکعت دیگر اعاده کند سجده دیگر لازم  
شود و گمانی سجده التلاوة این دو از وجه و در اکثر کتب مذکور است که  
ترک آن در سهوا و سهوت صاحب بقرائت چند محل دیگر نقل میکنند که سجده  
سهوا زمی آید بعضی که ضرورت مذکور نموده میشود مسئله اگر در رکوع کرد یا  
سجده نمود یا محل قیام مع او و در بعضی آن که در مقدار تسبیح توقف شد سهوا لازم آید

از قلیل یک کعبه باشد زیرا که آیت قیسره را کثیر گفته اند و آن دو رکعت است چنانکه معلوم  
شده مسئله اگر سهوا و عیایا تشدید نمودند نیست لیکن در بعضی رائق بعضی تشدید محل  
تا مل گفته است یعنی باید که سجده سهوا لازم آید که دوام خضیه و ثابت یازدهم  
ست در سیر همین اختلاف در و نیز مستصح است نزد صاحب هدایه که مقدار ما بجز  
به بصلوة اگر چه بخواند سهوا لازم آید و مختار علمای سابق است که سهوا لازم است  
قلیل باشد یا کثیر و او از وهم رعایت ترتیب است پس اگر سجده فراموش  
کند وقت که یا و آید ادا کند و سهوا لازم آید فقط و اعاده چیزی لازم نیست  
مگر وقتیکه از رکعت انتقال کند و در آن هنگام لازم است بخلاف سابق مسئله اگر تا خیر  
تلاوت در نماز از سه آیت کرد و درین در روایت است ذکره فی المجتبی  
و جزم فی التجنیس بعد الوجوب لیکن صاحبنا خیر است که قضایا در  
آن که در همین رکعت اعاده نماید اگر در رکعت دیگر اعاده کند سجده دیگر لازم  
شود و گمانی سجده التلاوة این دو از وجه و در اکثر کتب مذکور است که  
ترک آن در سهوا و سهوت صاحب بقرائت چند محل دیگر نقل میکنند که سجده  
سهوا زمی آید بعضی که ضرورت مذکور نموده میشود مسئله اگر در رکوع کرد یا  
سجده نمود یا محل قیام مع او و در بعضی آن که در مقدار تسبیح توقف شد سهوا لازم آید













# تکبیر

تکبیر سنت مکرره نیز گنگار است لیکن کم از گناه ترک واجب میشود مسلماً میباید  
 که وقت تکبیر ششمان و ستهای بر حال خود و یا در کشاده کند و در مضموم سازد تمام  
 تمام کف دست با ششمان مستقبل قبله با ذکره فی البحر الرائق و غیره مانند بیل کشتی  
 وقت ایستادن فرود آورد ذکره فی الخزایة الروایة و ارسال نکند بلکه زیر ناف بند  
 چنانکه نیاید و سر وقت تکبیر فرود نکند که بدعت است ذکره فی اللبس و مسلماً میباید  
 به تکبیر رفع یدین نماید این مختار طحاوی و شیخ الاسلام و قاضی خان و خلاصه و تحفه  
 و بدائع و محیط است امام تقالی گوید همه اصحاب با هم بر تکبیر و سیرین قاضی خان چنین  
 کرده است که بدایت تکبیر بدایت رفع یدین متعارف است با و تمام او ختم آن که وضعت  
 متصل بود و جماعت برینند که رفع باید که سابق بر تکبیر باشد و صحیح این را قول امام  
 عظم و محمد میگوید و در غایة البیان این منسوب با اکثر علمای اهل بیت میکنند و در  
 میگویند این نزد اکثر شیخ است و در بدایین بر او صحیح میگوید قال الفقیه جعفر  
 یستقبل بطون کفیه القبلة فاذا استقر تانی موضع معاذات  
 الایهامین شحمة الاذنین کبر قال الامام السرخسی علی  
 هذا عامة للشائخ و ناخذ به کذا فی العیاشیة و بقول  
 بعضی بعد از تکبیر رفع کند مختار محققین متأخرین است و بعضی محققان ثانی را

در وقت تکبیر ششمان و ستهای بر حال خود و یا در کشاده کند و در مضموم سازد تمام  
 تمام کف دست با ششمان مستقبل قبله با ذکره فی البحر الرائق و غیره مانند بیل کشتی  
 وقت ایستادن فرود آورد ذکره فی الخزایة الروایة و ارسال نکند بلکه زیر ناف بند  
 چنانکه نیاید و سر وقت تکبیر فرود نکند که بدعت است ذکره فی اللبس و مسلماً میباید  
 به تکبیر رفع یدین نماید این مختار طحاوی و شیخ الاسلام و قاضی خان و خلاصه و تحفه  
 و بدائع و محیط است امام تقالی گوید همه اصحاب با هم بر تکبیر و سیرین قاضی خان چنین  
 کرده است که بدایت تکبیر بدایت رفع یدین متعارف است با و تمام او ختم آن که وضعت  
 متصل بود و جماعت برینند که رفع باید که سابق بر تکبیر باشد و صحیح این را قول امام  
 عظم و محمد میگوید و در غایة البیان این منسوب با اکثر علمای اهل بیت میکنند و در  
 میگویند این نزد اکثر شیخ است و در بدایین بر او صحیح میگوید قال الفقیه جعفر  
 یستقبل بطون کفیه القبلة فاذا استقر تانی موضع معاذات  
 الایهامین شحمة الاذنین کبر قال الامام السرخسی علی  
 هذا عامة للشائخ و ناخذ به کذا فی العیاشیة و بقول  
 بعضی بعد از تکبیر رفع کند مختار محققین متأخرین است و بعضی محققان ثانی را

۶۵

در وقت تکبیر ششمان و ستهای بر حال خود و یا در کشاده کند و در مضموم سازد تمام  
 تمام کف دست با ششمان مستقبل قبله با ذکره فی البحر الرائق و غیره مانند بیل کشتی  
 وقت ایستادن فرود آورد ذکره فی الخزایة الروایة و ارسال نکند بلکه زیر ناف بند  
 چنانکه نیاید و سر وقت تکبیر فرود نکند که بدعت است ذکره فی اللبس و مسلماً میباید  
 به تکبیر رفع یدین نماید این مختار طحاوی و شیخ الاسلام و قاضی خان و خلاصه و تحفه  
 و بدائع و محیط است امام تقالی گوید همه اصحاب با هم بر تکبیر و سیرین قاضی خان چنین  
 کرده است که بدایت تکبیر بدایت رفع یدین متعارف است با و تمام او ختم آن که وضعت  
 متصل بود و جماعت برینند که رفع باید که سابق بر تکبیر باشد و صحیح این را قول امام  
 عظم و محمد میگوید و در غایة البیان این منسوب با اکثر علمای اهل بیت میکنند و در  
 میگویند این نزد اکثر شیخ است و در بدایین بر او صحیح میگوید قال الفقیه جعفر  
 یستقبل بطون کفیه القبلة فاذا استقر تانی موضع معاذات  
 الایهامین شحمة الاذنین کبر قال الامام السرخسی علی  
 هذا عامة للشائخ و ناخذ به کذا فی العیاشیة و بقول  
 بعضی بعد از تکبیر رفع کند مختار محققین متأخرین است و بعضی محققان ثانی را

در وقت تکبیر ششمان و ستهای بر حال خود و یا در کشاده کند و در مضموم سازد تمام  
 تمام کف دست با ششمان مستقبل قبله با ذکره فی البحر الرائق و غیره مانند بیل کشتی  
 وقت ایستادن فرود آورد ذکره فی الخزایة الروایة و ارسال نکند بلکه زیر ناف بند  
 چنانکه نیاید و سر وقت تکبیر فرود نکند که بدعت است ذکره فی اللبس و مسلماً میباید  
 به تکبیر رفع یدین نماید این مختار طحاوی و شیخ الاسلام و قاضی خان و خلاصه و تحفه  
 و بدائع و محیط است امام تقالی گوید همه اصحاب با هم بر تکبیر و سیرین قاضی خان چنین  
 کرده است که بدایت تکبیر بدایت رفع یدین متعارف است با و تمام او ختم آن که وضعت  
 متصل بود و جماعت برینند که رفع باید که سابق بر تکبیر باشد و صحیح این را قول امام  
 عظم و محمد میگوید و در غایة البیان این منسوب با اکثر علمای اهل بیت میکنند و در  
 میگویند این نزد اکثر شیخ است و در بدایین بر او صحیح میگوید قال الفقیه جعفر  
 یستقبل بطون کفیه القبلة فاذا استقر تانی موضع معاذات  
 الایهامین شحمة الاذنین کبر قال الامام السرخسی علی  
 هذا عامة للشائخ و ناخذ به کذا فی العیاشیة و بقول  
 بعضی بعد از تکبیر رفع کند مختار محققین متأخرین است و بعضی محققان ثانی را





بعضی است که میگوید که در وقت نماز اگر کسی را شیطان آزار دهد...

کذا فی نصاب الفقه فی اول تعویذ یعنی اعوذ بالله من الشیطان الرجیم  
گفتن بعد از شناسنت و این عبارت مختار اکثر شیخاست بعضی استعیذ بالله  
گفته اند لیکن متأخرین قبول ندارند و بعضی زیادتی اسمع العظیم میکنند لیکن در بحر الرائق  
لا ینبئ کفتمت و این تابع قرأتست نزد امام اعظم و امام محمد پس سبوق وقت  
قرأت خود بگوید نه مقتدی که بروقرات نیست خواه موتم باشد خواه مسبق  
خلافه ابی یوسف فانه عندنا تبع للثناء و للقرائة ایضا  
فیاتی به المسبوق علی قوله موتین کافی البحر الرائق  
لیس فی الخبر الخیر الخیر بر فاتی و در هر کت سنت نزد اکثر مشایخ مذکور  
وهو المختار من الروایة فی جمیع کتب الدرایة و فی الکافی  
وهو قول ابی یوسف و محمد و رایة عن الامام وهو  
اقرب الی الاحتیاط و فی الکفایة انه حسن اتفاقا و من  
زعم انه عند ابی حنیفة فی الاو لی فقط فقد غلط غلطا  
فاحشا و صح الذاهدی ان التسمیة قبل الفاتحة واجب  
فی رکعة و تبعه ابن وهبان و قال الوجوه قول الاكثر لیکن  
متاخرین قبول ندارند با بر سوره خواندن سنت نیست نزد امام اعظم و ابی یوسف

بعضی است که میگوید که در وقت نماز اگر کسی را شیطان آزار دهد...  
بعضی است که میگوید که در وقت نماز اگر کسی را شیطان آزار دهد...  
بعضی است که میگوید که در وقت نماز اگر کسی را شیطان آزار دهد...

فاتی و در هر کت سنت نزد اکثر مشایخ مذکور  
وهو المختار من الروایة فی جمیع کتب الدرایة و فی الکافی  
وهو قول ابی یوسف و محمد و رایة عن الامام وهو  
اقرب الی الاحتیاط و فی الکفایة انه حسن اتفاقا و من  
زعم انه عند ابی حنیفة فی الاو لی فقط فقد غلط غلطا  
فاحشا و صح الذاهدی ان التسمیة قبل الفاتحة واجب  
فی رکعة و تبعه ابن وهبان و قال الوجوه قول الاكثر لیکن  
متاخرین قبول ندارند با بر سوره خواندن سنت نیست نزد امام اعظم و ابی یوسف

بعضی است که میگوید که در وقت نماز اگر کسی را شیطان آزار دهد...  
بعضی است که میگوید که در وقت نماز اگر کسی را شیطان آزار دهد...  
بعضی است که میگوید که در وقت نماز اگر کسی را شیطان آزار دهد...





في خزانه الرواية عن كثر العباد ووعاشية السرية وترغبت الصلاة وبتين وجهه  
 في الشرح الالهي بحث العائد الى الوصول واما برهين كفايت كند  
 چنانكه مقتضى التعلين وصد الشريعة خستبار کرده لذو بروايتي از امام ابوحنيفة كه  
 شيخ ابن تيمية از شرح اقطع نقل مي نمايد امام جمع كند و تسميع و تحميد يعني اللهم ربنا ولك  
 الحمد نيز بگويد و اين نيز بامام ابو يوسف و محدثين ليكن استه در وقت قيام كويد  
 و رفتا و مي طهيري ميگويد كه امام ابو بكر محمد بن علي يقول صاحبنا اهل بود و امام طحاوي  
 نيز برهين استبار نموده در بر جندي بعد از تعلقين بگوين ميگويد و بكنديل  
 عن جماعة من المتأخرين انهم اختاروا قولها انتهى ظاهر الحديث صحيح مسلم وغيره  
 كه سفيان بن عيينه قال سلمه در نماز فرض جسم ميفرودند و آنچه در توحيد است بعضي علماء  
 گفته اند كه در حالت انصراف و ظاهر الفساد از عمر انكروا و ابي انس و صلى الله عليه و سلم  
 فرض را تنها در سجده معلوم است لهذا شيخ ابن تيمية از توحيد بگويد ظاهر الحديث  
 ان ذلك لا يجمع بينه في عموم صلوة انتهى و در كتب فقه مذکور است ان صلى الله عليه و سلم  
 و سلم يواطى على الجماعة كما في غاية البيان وغيره و لهذا راجح در مذمت وجوب جلوس است  
 كما صرح به في البحر الرائق و نقله في البدائع عن عامة المشايخ لانه ثبت المراد بيمين  
 غير ترك مع الاشارة على تاركه و مقتضى را ميبايد كه گفتار تحميد نمايد بلا خلاف

بین صحابنا علی ما فی الذخیره و منقول در تحفیه جابر لفظ است اول از همه اللهم ربنا و لک الحمد  
 بعد از ان اللهم ربنا لک الحمد بعد از وی ربنا و لک الحمد است بعد از همه سه متعارف است  
 یعنی ربنا و لک الحمد کذا فی البحر الرائق و فی البر خدی عن شرح الطحاوی و ربنا لک الحمد بقره  
 و عن شرح البخاری و لک الحمد من عن محیط اللهم ربنا لک الحمد هو الاصل من الکافی  
 اللهم ربنا و لک الحمد هو الاحسن معنی نماز که در احادیث صحیح روایات است بعد مذکور  
 بحسب اختلاف اوقات و احوال و هر چه در روز یا نیت چون دلالت بر زیاد  
 معنی میکند بلا شبهه اما در حق مندر روایات نعتی متعدد است یکی که گفت  
 تسبیح کند چنانکه ابو یوسف از امام عظیم روایت کرده لیکن در بحر الرائق  
 میگوید بر این اعمام و نباید کرد که معلوم نیست تصحیح این دوم آنکه در تحف کفایت  
 نماید و این را منقحی ثعلبیین تصحیح نموده و مصدری است بیمار کرده فی العیسوی و الاصح  
 و علیه السلام الشایخ و خاتمه سلسله الامتداح المجلد اولی و الامام الطحاوی صحیح فی البر خدی سوم آنکه  
 جمع کند در هر دو صحیح صاحب الهدایه و قال صدر شهید و علیه الاعتماد و خاتمه صاحب الصحیح  
 و غایه البیان قال فی البحر الرائق المرجح من جهة المذهب الاکتفاء بالتحمید فانظر  
 علی باصح به قاضی خان و المرجح بحسب الدلیل الجمع بینهما كما صحیح فی الهدایه  
 و غیره و در فنیه میگوید وقت سبزه شستن مندر تسبیح گوید و در جایقام







عبارت اولی در این باب است که در حدیث آمده است که هر کس در نماز این دعا را بخواند...

تشهد سنت نزوح علی الامام شیخ که نزد ایشان فرمودت که این بطریق که امام  
محمّد صلی الله علیه و آله فرمود است اللهم صل علی محمد و علی  
ال محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی ال ابراهیم انک حمید  
مجید و باریک علی محمد و علی ال محمد کما بارکت علی  
ابراهیم و علی ال ابراهیم انک حمید مجید و این موافق است  
بحدیث صحیح یعنی بخاری و مسلم و ترمذی و ابوداؤد و ابن ماجه و ابوالخدیج  
روایات دیگر نیز نقل میکنند لیکن اعماد برین باید کرد و الله اعلم و در  
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در تمام عمر یکبار فرستاد آن غایب خارج درین مجلس  
از علمای امت خلاف نیست و نزد علمای خفیه در وجوب آن هر گاه که بشنود  
از خود یا از غیر کسی که از ترک آن فاسق کرد و خلاف است بقول کفری که توبه  
در و بعد از سماع اشم واجب است چون بگردد مستحب و بقول طحاوی هر  
مرتبه واجب است در تحفه و محیط این را صحیح گفته و برین قول اختلاف کرده اند در مجلس  
تکرار شود داخل در وجوب میشود یا نه در کافی اول را صحیح گفته و در بیانی را صحیح  
گفته و فرق کرده میان تکرار پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در مجلس واحد و میان  
تکرار اسم الله تعالی در مجلس واحد ازین حیثیت که کفایت میکند از شنیدن

در حدیث صحیح آمده است که هر کس در نماز این دعا را بخواند...

در حدیث صحیح آمده است که هر کس در نماز این دعا را بخواند...

در حدیث صحیح آمده است که هر کس در نماز این دعا را بخواند...







صاحب عیون و باریه و بحر الرائق است اگر چه بقول دوم بسیار رفتند بعضی  
 ترجیح نیز داده اند بر چه موافق کرد و حال آید و قد مر مفصل آنچه و ایضا مستحب  
 که بکثیر تعظیم گوید چنانکه در الف حدیث و عظمت و در لام الوصیت و در هاست  
 الاهی طوطا باشد ششم لام الله را منضم گوید یعنی بر هفتم را ای کبر بسکون گوید ششم  
 و سبها متصل تکبیر نبرد و بروایتی فروگذار و الا اول صح کما مر و مکروه  
 در تکبیر اول مکرور و روان در چهار محل است در الف الله و الف  
 اکبر و بای کبر این هر اگر سهوا باشد نماز مکروه تخمینی میشود و بروایتی شروع  
 صحیحست و اگر عدا باشد کافر گردد و علام الله اکبر بسیار کند مکروه و بیست  
 و اندکی صحیحست چنانکه گذشت در سخت کشاده کردن انگشتان و بردن ششم  
 بسیار شود که این آنها چهارم ششمین در وقت بردن یا بعد از آن هفتم ششمین  
 بجانب قبل کردن ششم کفها متقابل روی خود کردن هفتم روی سمان نمون ششم  
 در آمدن در نماز با کشاکش بواج و فائط نیم تکرار کردن تکبیر هفتم زیاد کردن بر تکبیر  
 لفظی دیگر کذا فی العیون و فی البحر الرائق کل لفظ سوء لفظ  
 التکبیر مکروه و بحر یاکا سابق و در کفایت اللومین از سجده  
 تکبیر گفته که در آن وقت اندکی سگولن کردن لیکن در خلاصه غیر گفته و لایطاط

بسیار است و در بعضی  
 از اینها است و در بعضی  
 از اینها است و در بعضی  
 از اینها است













مستحق الصلاة

در وقت نماز و در وقت صلوات  
در وقت نماز و در وقت صلوات  
در وقت نماز و در وقت صلوات

قل هو ذر للناس خواند و در ثانی نیز همین بخواند و لمثال این در قسری  
مکروه است ما در نوافل باک ندارد و سیزدهم در از کردن رکعت دوم بر رکعت اول  
بمقدار سه آیت باعتبار کلمات و فرائض چهاردهم توقف کردن بر آیه رحمت یا  
عذاب امام را و مقتدر است مطلقا و منفردا در فرائض پانزدهم در از کردن امام  
نماز را اگر بر قوم گران آید و تسبیح مخالف سنت باشد تا زدهم تخفیف کردن امام  
بمخلاف سنت بر نیت قوم عقیده محتاج ساختن قوم را بواجب نیست بعد از مقدار  
واجب امام را کوچک کردن سیزدهم خواندن مقتدی قرائت پس امام نوزدهم  
خواندن امامت سخن در نماز سوره مگر آنکه در آخر باشد بستم مکرر خواندن  
آیتی را از خوشی یا از اندوه در فرائض بیست و یکم خواندن آخر کیسوره در  
رکعتی و آخر سوره دیگر در دیگری نزدیک اکثر علماء و صحیح نزد قاضیان عدم  
کرهت است اگر چه ترک افضل است مکره فی البحر الرائق بیست و دوم خواندن سوره  
قصه در دو رکعت تقسیم یعنی از قصار مفصل طاهر از فرائض باشد بیست و سوم  
اقصار کردن بر فاتحه یک یا قصیه یا دو است چهارم تکرار کیسوره در یک  
رکعت از فرائض و در دو رکعت نیز سیر اگر می آید بیست و پنجم گفتن مقتدی  
صد و الله و بکعت و سکر نزدیک آیت غبت یا رب بیست و ششم خواندن

در وقت نماز و در وقت صلوات  
در وقت نماز و در وقت صلوات  
در وقت نماز و در وقت صلوات

در وقت نماز و در وقت صلوات  
در وقت نماز و در وقت صلوات  
در وقت نماز و در وقت صلوات

در وقت نماز و در وقت صلوات  
در وقت نماز و در وقت صلوات  
در وقت نماز و در وقت صلوات



که فرج چهار انگشت مسنونست و موید آن قول مجرب است الباری للاصاق یعنی  
القرب و در حدیث نیز اصاق الکعب یعنی القرب بالمقابل و تعست پس تقابل کعب  
کعب نیز اراده میتوان نمود چنانکه تحقیق این مسأله در حواشی بحر الرائق کاتب  
بتفصیل مذکور نمود و الحمد اعظم و سب در وی پنج چیز است اول برابر کردن سر را  
با سرین و پشت و دم نظر کردن بسوی پشت پای سوم زیاده از سه بار  
تسبیح گفتن منفر را بطاق چهارم دور داشتن <sup>چنانکه اگر قدم بر پشت داند نزدیک ۱۲</sup> باز و از شکم و ازنا پنجم  
دستها فرو داشتن در قومه و مکرره در روزی زود چیرست اول بر داشتن هر دو  
دست وقت رفتن بر کوع دوم برداشتن هر دو دست وقت یکدیگر از رکوع بر  
میدار و سوم تکرار کردن تسبیح یعنی بعد از تسبیح وقت سر برداشتن تکبیر کوید باز وقت  
فرو شدن هم کوید چنانکه در بعضی روایات آن چهارم زیاده کردن وقت  
تسبیح یعنی در فرض بعضی ادویه یا ثوره خواندن پنجم تسبیح رکوع بلند گفتن ششم  
نقصان کردن تسبیح از سه مرتبه بقیه ترک تسبیحات در هر تسبیح ترک کردن قومه  
هفتم ترک کردن طمانیت و در رکوع و در قومه و هم بلند کردن سر از پشت و  
سرین یا زود هم فرو کردن سر از زود و هم کف هر دو دست در میان دو زانو  
طبق کردن یعنی جمع نمود چنانکه در بعضی آثار آمده سیزدهم آوردن تسبیح

این تسبیح در بعضی مواضع  
در وقت نماز واجب است  
در وقت رکوع تسبیح  
در وقت سر برداشتن  
در وقت فرو شدن  
در وقت طمانیت  
در وقت تسبیح رکوع  
در وقت خواندن  
در وقت تسبیح بلند  
در وقت تسبیح ششم  
در وقت نقصان  
در وقت ترک طمانیت  
در وقت تسبیح ترک  
در وقت تسبیح ترک  
در وقت تسبیح ترک





بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها

گفتن امام این تکبیر را ششم در میان در سجده طمانیت در آن کرد  
و بعد انتقال کردن بسوی سجده دوم تکبیر و مستحب در آن دست اول نهادن چیزیکه  
قریبترین است اول برو یعنی هر روز از پیش از دستها بر زمین نهاد بعد از آن  
دستها بعد از آن منبری بعد از آن پیشانی دوم وقت برخاستن بر عکس سوم  
پوستن انگشتان وقت سجده چهارم در میان هر دو دست سجده کردن پنجم  
انگشتان دستها بسوی قبله کردن ششم شبیهات مفروضه از زیاد از سه گفتن بطریق  
دو دست باز و از شکم و شکم از ران و ران از ساق و ساق از زمین مردان و  
پوستن این همه نماز را ششم نهادن پیشانی و بینی هر دو بر زمین فکره فی العیون و از  
بالا معلوم که وجب است و هر چه در حال سجده بسوی منبری و خساره  
دوم نهادن انگشتان هر دو پا بر زمین کذا فی العیون در بعضی روایات نهادن پیشانی  
و بینی از سنت مکره گفته اند و نظر بسوی پرتو بینی ششم فرموده اند و در وقت نهادن  
در بعضی روایات فرض گفته است چنانکه گذشت پس مردان انگشتان جمع ساق باشد  
که همه نهادن مستحب بالاتفاق و الله اعلم بمر و هات دست نیست اول  
بر دست انگشتان یکپای از زمین دوم زیاد کردن شبیهات از او عینه نوره یعنی  
در فرض سوم بلند گفتن شبیهات چهارم تمام کردن تکبیر و سجده پنجم و میدان

بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها

بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها  
بعضی از اینها در بعضی از وقتها

